

تاملی بر وضعیت کودکان کار، بردگان خاموش قرن حاضر

رضارشیدی

اول بهمن ماه هشتاد و پنج

کودکان کار، کارگران خاموش قرن حاضر، از شمال تا جنوب، از غرب تا شرق، همه جا نشانی از آنها می توان یافت. درکارخانجات، مزارع، کارگاههای قالی بافی، معادن، خیابانهای شهر، سر چهار راهها، در بازار و کار باربری، درکفاشی و واکس زنی ...

تعداد کودکان کار زیر ۱۴ سال طبق آمار اعلام شده سازمان جهانی کار ۴۰۰ میلیون نفر می باشد. حتی این آمار نیز کاملا واقعی نیست. تعداد کودکان کار بیشتر از این تعداد تخمین زده می شود. از آنجائیکه آمارهای رسمی با اتکا به ثبت کودکان کار در بخشهای رسمیت یافته کار در جامعه اعلام میشود، نمیتوان این آمارها را مینا قرار داد چرا که در این آمارها خیل عظیمی از کودکانی که در واحدهای دور از دسترس آمارگران کار میکنند هرگز ثبت نمیشود.

کودکان کار در تایلند، فیلیپین و مالزی در کارگاههای تولید پوشاک مشغول به کار هستند. در برزیل کودکان در مزارع قهوه بکار گرفته می شوند. در پاکستان و ایران درکارگاههای قالی بافی مشغول بکارند. در پاکستان و هند به کارهای تراش الماس و ساختن بدلیجات اشتغال دارند. در ایران تعداد زیادی از کودکان در کوره پزخانه ها، کارگاههای کفاشی، دوزندگی ها، باربری در بازار و ترمینالهای مسافربری مشغول بکار هستند. درکشور پرو کودکان در جنگلها به شستشوی خاک طلا بکار گرفته شده اند. برخلاف تصور رایج که کودکان کار درجهان به اصطلاح عقب مانده و توسعه نیافته مشغول بکارند، مطابق گزارشات رسمی کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری، درشهرهای ایتالیا تعداد زیادی از کودکان کار "بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر" درصنعت پارچه و چرم سازی، کفش دوزی وکشاورزی مشغول به کار هستند. این کودکان روزانه از ۶ تا ۸ ساعت کاری کنند و دستمزدی معادل ۱/۳ کارگران رسمی دریافت می کنند. درکشور آلمان به گزارش موسسه حمایت از کودکان در حدود ۶۰۰ هزار کودک درفروش روزنامه، شستشوی ظروف در رستورانها و در ماشین شویی ها مشغول بکار هستند. حتی قوانین و قراردادهای کار در اتحادیه اروپا رسمیت کار کودکان را پذیرفته است. طبق قراردادهای کار اتحادیه اروپا، کودکان مدرسه ای نباید بیش از ۱۲ ساعت در هفته کار کنند. طبق گزارش کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری در حدود نیمی از کودکان ۱۳ تا ۱۵ سال بطور غیرقانونی در بخش خدمات مشغول بکار هستند.

در سایر کشورها نیز کودکان کار در روزنامه فروشها، ماشین شوئیاها و واکس زنی مشغول به کار هستند. در ترکیه بیش از ۳/۵ میلیون کودک کار وجود دارد. (آمارها از گزارش سازمانهای رسمی بین المللی مانند: یونیسف، سازمان جهانی کار، اتحادیه های آزاد کارگری در سالهای ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷ می باشد) این آمارها تنها بخش کوچکی از واقعیت وجود کودکان کار در دنیای پیشرفته و سرشار از ثروت است. دنیایی که در آن مناسبات نظام سرمایه

داری، نظام بردگی مزدی حاکم است. دنیایی که اصل سود بری بر همه ارکان آن سایه افکنده و خود را به تنها ارزش حاکم در جهان معاصر تبدیل کرده است. دنیای خرید و فروش کالایی به نام نیروی کار، آن هم به ارزانترین قیمت. همچنین سرمایه با هزینه کردن اندکی از سود سرشارش، لشکری از اندیشمندان را به استخدام خود درآورده تا قادر شود کار کودک را به عنوان یک پدیده انسانی به نمایش بگذارد. این اندیشمندان در لوای الفاظ رنگارنگ و با تئوری پردازیهای زیرکانه سعی در موجه جلوه دادن کار کودکان دارند. قالب کردن تئوری رهایی از فقر توسط کار کودک، افسانه‌ی رنگ و لعاب زده ایست از بردگی مزدی کودکان. این تبیین یعنی رهایی از فقر، کار کودک را عاملی تعیین کننده در کاهش فقر می داند. اینان می گویند: "کودکان به علت فقر خانواده هایشان مجبور هستند کار کنند و کار کودک را باعث کاهش تنگناهای مالی خانواده ارزیابی می کنند" در این تئوری پردازی زیرکانه خرید نیروی کار ارزان کودکان که میلیونها ثروت را به وجود می آورد و همه آن توسط سرمایه دارن به یغما می رود، نادیده گرفته می شود.

با چنین تئوری پردازیهایی مستقیم به این نتیجه می رسند که کودکان خودشان می خواهند کار کنند؟! با چنین نتیجه گیریهایی ممنوعیت کار کودک اهرمی برای تنگدستی هر چه بیشتر کودک و خانواده اش وانمود شده و با بسیج تمامی امکانات در رسانه های سرمایه تبلیغ می شود که کار کودک می تواند او و خانواده اش را از فقر نجات دهد و در این راستا سازمانهای عریض و طویل اجتماعی مدافع این نظریه را نیز همزمان سازماندهی می کنند. سازمانهایی که مخالف کار کودک هستند، این سازمانها بسیج شده اند و برای اثبات نظریاتشان از خود کودکان کمک می گیرند. این سازمانها از طریق نظرخواهی و مصاحبه با کودکان و تهیه گزارشات چنین تبلیغ می کنند که کودکان بهتر از هرکس دیگری می توانند راجع به خودش تصمیم بگیرند. حاصل جمع تمامی این نظر خواهی ها این می شود که کودکان به کار کردن خودشان راضی هستند چراکه به اقتصاد خانواده خود کمک می کنند ارائه این نظر خواهی ها و وارونه نشان دادن واقعیات، به تقسیم بندی کار کودکان به دسته های ملی، قومی و جغرافیایی می رسد. در پاکستان صاحب یک کارگاه قالی بافی معتقد است کار کودکان جزو سنت های این ملت است و ادامه می دهد "کودکان در پاکستان کمبود کارگران را جبران می کنند" آنها کمک می کنند تا زیر ساختهای جامعه بنا شود، آنها مقدمات تاسیسات زیر بنایی اقتصادی را بوجود می آورند که در آینده در خدمت کل جامعه قرار می گیرد و یا اینکه می گویند در تولید توپ و لباس ورزشی در تایلند و از طریق صادرات آن به کشورهای دیگر در آمد ارزی بیشتر عاید شده و در نتیجه جامعه ای ثروتمند خواهیم داشت. استثمار و بهره کشی از کودکان هیچ ربطی به سنت، فرهنگ و تامین مقدمات شکوفایی اقتصادی ندارد. استثمار و خرید نیروی کار ارزان کودکان تنها و تماما به کسب سود بیشتر ربط دارد. کار کودکان یک پدیده منطقه ای نیست که ثمره آن نصیب فرضا آن منطقه و جغرافیای خاص شود. کودکان در آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا در بدترین شرایط مورد استثمار و بهره کشی قرار می گیرند و ثمره کارشان نصیب کمپانیهای زنجیره ای اروپایی و آمریکایی می شود. نسبت دادن و محدود کردن کار کودکان به کشورهای جهان سوم و بکارگیری الفاظی چون نسبیت فرهنگی و... تقویت گرایش راسیستی و نژاد پرستانه است و ترویج باورهای فرهنگ برتر غرب محوری را به همراه دارد و از این طریق به تثبیت موقعیت سرمایه داری بین المللی می پردازد، دیگر ابزار تثبیت موقعیت سرمایه داری غرب سیاستهای بانک جهانی پول اصطلاحا در جهت

کاهش کار کودکان در جهان سوم است. اما تنها چیزی که به همراه ندارد کاهش آمار کودکان کار است. در سایه وابستگی بسیاری از دولتهای وام گیرنده، کاهش شدید بودجه و به تبع آن کاهش رفاه اجتماعی دامنگیر جامعه است و هرچه این کاهش بیشتر میشود بر تعداد کودکان کار نیز افزوده می شود. کاهش رفاه اجتماعی خانواده های کارگری را در تنگناهای مالی قرار می دهد و بالا رفتن هزینه های زندگی مترادف است با جبران کاهش سطح معشیت با استفاده از کار کودکان، استفاده از کار کودک نیز، یعنی محرومیت او از آموزش، یعنی محرومیت او از بازی، یعنی محرومیت کودک از پرورش جسمی و روحی سالم.

چه باید کرد؟ تمامی امکانات جامعه در اختیار سرمایه داران و دولتهایشان قرار دارد.

اولین نقطه حرکت برای بهره مندی از امکانات موجود در جامعه، مبارزه برای افزایش دستمزدها متناسب با سطح زندگی و استانداردهای امروزی است. اینکه چه میزان دستمزد برای بهره مندی از یک زندگی انسانی لازم است، به سادگی قابل محاسبه می باشد. کافی است هزینه های زندگی امروزی را در نظر بگیریم. اجاره مسکن که امروزه به طور متوسط رهن یک مسکن معادل ده میلیون تومان یعنی همان ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان است. هزینه خوراک، شام، نهار، صبحانه، هزینه شوینده ها و استحمام، پوشاک... حاصل جمع این هزینه ها چیزی معادل ۶۵۰ تا ۷۰۰ هزار تومان در ماه است. راه حل دیگر نزدیک شدن به کاهش و محو کار کودک، مبارزه برای بهره مندی خانواده کودک از بیمه های فراگیر از جمله بیمه بیکاری، بیمه درمان و بیمه از کار افتادگی می باشد. سازمان دادن آموزش رایگان و اجباری کلیه کودکان فارغ از ملیت و مذهب تا سن ۱۸ سال گام دیگری در جهت تثبیت رشد روحی و روانی کودکان به ویژه کودکان کار می تواند باشد. برای تحقق و بهره مندی از یک زندگی انسانی باید مبارزه کرد، آموزش داد و سازماندهی کرد و فریاد زد: کار کودک ممنوع!

رضا رشیدی

سایت شورا

۱۳۸۵/۱۱/۱